دیدگاه

ادغام بیمه‌ها و ۲ نکته فنی برای نفی آن

حسن صادقی
رئیس کمیته بیمه و درمان خانه کارگر

یکی از مسائلی که همواره ما، به عنوان جامعه کارگری بر آن تاکید کرده‌ایم، این بوده است که به‌هرحال باید به‌نوعی موضوع صندوق‌های بیمه‌ای، توع در بیمه را پشتیبانی کند. این سخن به چه معناست؟ یعنی اینکه صنعت بیمه کشور به شکلی باشد که جذابیت برای انتخاب صندوق، از سوی افراد وجود داشته باشد. از دیوار هم ما بر این موضوع تاکید کرده‌ایم باید از تمرکز و خیره‌گردن این صندوق‌ها پیشگیری شود. اما چرا؟ به این دلیل که باید حق و اصالت انتخاب برای مردم محفوظ بماند. درواقع کمان ما همواره این بوده انتخاب یکی از حقوق اولیه انسانی است که باید برای آن ارزش قائل بود.

نکته دیگر در حوزه تامین اجتماعی و صندوق‌هایی است که به‌نوعی در حوزه بیمه اجباری فعالیت می‌کنند. در این حوزه امروز دو مسئله اساسی وجود دارد: نخست اینکه نوع پرداختی‌ها به این صندوق‌ها متفاوت است؛ یعنی نوعی از صندوق‌ها وجود دارند که دولت به‌شکل کامل در حال تامین منابع آن است. نوع دیگری وجود دارد که مشارکت سه‌گانه منابع آن را تامین می‌کند و نوع دیگری از صندوق‌ها در حال فعالیت هستند که کارگران به‌شکل کامل منابع آنها را می‌پردازند. بنابراین به‌دلیل همگن‌نبودن نوع این پرداخت‌ها، ادغام آنها نمی‌تواند رخ دهد. چراکه نوع پرداخت‌ها و نوع اداره منابع آن متفاوت است و درنتیجه ادغام اصلا امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و کارکنان آن فقط هفت درصد حق بیمه پرداخت می‌کنند بقیه آن هم به‌شکل کامل از سوی دولت پرداخت می‌شود. نوع پرداختی‌های صندوق‌های بانک‌ها و شهرداری‌ها هم متفاوت است درحالی که در صندوق تامین اجتماعی، پرداخت کل مبلغ، از سوی کارگران انجام می‌شود.

ممکن است پرسش شود ۳۰ درصد را کارفرما پرداخت می‌کند. من می‌گویم این ۲۰ درصد هم متعلق به کارگران است. چراکه این ۲۰ درصد هم بخشی از حقوق کارگران بوده است که در سال ۱۳۵۴ قانون کار آن را بر عهده کارفرما قرار داده که کارفرما به نمایندگی از کارگر و نام خودش آن را پرداخت کند.

این سخن من نیست. آیت‌الله بهشتی در سال ۱۳۵۸ در یک جلسه پرسش و پاسخ که مشترک میان شاخه کارفرمایی و کارگری حزب برگزار می‌شد، برابر سؤالی که یک کارفرما از ایشان پرسید، این پاسخ را مطرح کردند. ایشان موضوع صندوق‌ها و نظام بیمه‌ای را به بحث گذاشته بودند و قیاسی میان صندوق‌های ایرانی و کشورهای توسعه‌یافته برقرار کردند.

باید تاکید کنم آیت‌الله بهشتی گفته‌اند از اینکه یک فرانس‌شاس و فیلسوف برجسته بود، رابط فرهنگی ایران و آلمان هم بود. او شناخت دقیق بر موضوع بیمه‌های کارگری داشت. در آن جلسه یکی از کارفرمایان از آیت‌الله پرسید جرا شما می‌گویید صندوق تامین اجتماعی به‌شکل کامل متعلق به کارگران است درحالی‌که ما به عنوان کارفرما ۲۰ درصد از حق بیمه را پرداخت می‌کنیم؟ شهید بهشتی با یک مثال این موضوع را شفاف کردند. او به تفاوت قیمت کارگر روزمزد و کارگر ثابت یک صنعت اشاره کرد و گفت این تفاوت قیمت، همان حق بیمه‌ای است که کارفرما موظف به پرداخت آن است. دلیل این موضوع هم این است که کارگر به این بیمه نیاز دارد. اگر کارفرما این حق بیمه را پرداخت نکند، کارگر آن روز را در لحظه خرج می‌کند و در زمان بازنشستگی و ازکارافتادگی به مشکل برخواهد خورد و از پوشش بیمه‌ای محروم می‌ماند. عده اینها نشان می‌دهد امروز کارفرما ۲۰ درصد حق‌بیمه کارگر را به جای حق بیمه‌اش پرداخت می‌کند و نوع پرداختی‌ها به سازمان تامین اجتماعی متفاوت است و از یک جنس نیست. پس امکان علمی و عملی ادغام این صندوق‌ها در هم وجود ندارد.

گفته‌شد از آنجه گفته شد، عامل دیگر در نفی ادغام صندوق‌های بیمه‌ای این است که حجم بزرگی از اینها ورشکسته‌اند؛ برای نمونه صندوق فولاد. این صندوق یکی از صندوق‌های ورشکسته است که حتی اندوخته‌های زیادی را هم فروخته است. به تقدیمی تبدیل کرده و حقوق پرداخت کرده است؛ اکنون کشتی این صندوق به کل ورشکسته است و دلایل بیمه روستایان و عشایر، صندوق بازنشستگی کارکنان کشوری و... هم همین وضعیت را دارند. بررسی دقیق اینها نشان می‌دهد اغلب ورشکسته شده‌اند. یک موضوع توانسته با مصارف روی پای خود بایستد. تصور همگان بر این بود در سال ۱۳۹۴ دلیل شکست استخوان‌های این صندوق هم به کوش می‌رسد و حقوق بسیاری از بازنشستگان برای پرداخت نشود. با دورانديشی‌هایی این صندوق توانسته خودش را روی زمین بکشد و پیش برود و متوقف نشود. این تنها صندوقی است که توانسته تا حدی به اموران خودش رسیدگی کند.

حال ممکن است این پرسش ایجاد شود که تجمیع چگونه می‌تواند به تامین اجتماعی ضربه بزند؟ روشن است؛ تجمیع صندوق‌های بیمه‌ای باعث می‌شود همه صندوق‌های ورشکسته بیایند و درون تامین جای بگیرند. این روند باعث می‌شود صندوقی که می‌تواند حداقل تا ۱۰ سال دیگر از بحران بگریزد، یک‌ساله دچار بحران شود. اگنه سرنوشت تحت پوشش‌های تامین اجتماعی مانند سرنوشت بازنشستگان فولاد خواهد شد. دولت ماتسفانه کمکی نمی‌کند به شکل کامل در حال پرداخت مابه‌ما صندوق بازنشستگی کشوری است؛ پول صندوق فولاد را هم کامل و پول روستاییان را هم پرداخت می‌کند؛ پس چه دلیلی دارد صندوق تامین اجتماعی مجزا باشد؟ متاسفانه تصویر دقیق و درستی از وضعیت این صندوق‌ها در ذهن ندارد. آنها کمان می‌کنند می‌توانند دولت به عنوان تامین‌کننده اجتماعی بیمه‌های سایر صندوق‌ها را هم پوشش دهد. به این ساده‌تر، دولت کمان می‌کند سازمان تامین اجتماعی آن‌قدر ثروتمند است که می‌تواند جور دیگر صندوق‌ها را هم بکشد. پس اعتقاد دارد اگر این صندوق‌ها در تامین اجتماعی ادغام شوند، مدیریت واحد می‌تواند بحران ورشکستگی آنها را حل کند. این در حالی است که واقعیت چیز دیگری است. چنین ادغامی می‌تواند به‌سرعت بحران را در تامین اجتماعی هم نشر دهد و این سازمان را به یک بنشاند.

با دو نکته‌ای که به آن اشاره شد، روشن می‌شود چرا کارگران همه‌وقت و همه‌روزه با موضوع ادغام صندوق‌های بیمه‌ای در هم نگران هستند. ای کاش دولت کمی دقیق‌تر و جامع‌تر به این موضوع نظر کند تا حداقل یک کاری از معدودصندوق‌هایی که هنوز نیمه‌جانی دارند، سر پا بماند.

ایزدخواه در گفت‌وگو با «شرق» از تدبیر وام‌گیری برای انجام تعهدات تأمین اجتماعی خبر داد

توسل چند هزار میلیاردی به بانک‌ها

بانک مرکزی به تازگی در نامه‌ای بانک رفاه کارگران را از پرداخت وام به تأمین اجتماعی و شستا منع کرده است

عکس: روابط عمومی شرق

مهتاب قلی‌زاده: «سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۳۹۲، هفت‌هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای درمان اختصاص داده بود اما پیش‌بینی‌ها این است که در سال ۱۳۹۶ به ۲۲ هزار میلیارد تومان می‌رسد. به‌عبارت دیگر، از اجرای طرح تحول سلامت تا سال ۱۳۹۶ هزینه‌های درمان در تامین اجتماعی نزدیک به سه برابر رشد کرده است؛ این یعنی ۳۰۰ درصد رشد». اینها را معاون اسبق سازمان تامین اجتماعی می‌گوید. محسن ایزدخواه با اینکه به‌تازگی عمل جراحی را پشت‌سر گذاشته است و به‌سختی راه می‌رود، به «روزنامه شرق» می‌آید تا درباره طرح تجمیع صندوق‌های بیمه‌ای، چرایی، بایدها و نبایدهایش بگوید. دلش پر است و نگران. انبوهی کاغذ و سند و دفتر همراه خودش آورده و این گفت‌وگو حدود دو ساعت طول می‌کشد. سیر تاریخی آنچه را بر صندوق‌های بیمه‌ای گذشته است و دلایل ورشکستگی‌شان را مرور می‌کند؛ می‌گوید بی‌آنکه تاریخ اینها را بدانیم، نمی‌توانیم تحلیلشان کنیم. می‌گوید: «روی سخنم با شیوه برخورد دولت‌ها با صندوق‌های بیمه‌ای است؛ صحبتم افزایش حقوق بدون پشتوانه است و البته سخنان پوپولیستی است که هر دولتمردی همه مواضع را به نفع خودش و به ضرر دولت‌های دیگر مصادره می‌کند. سخنم این است که کوته‌نگری در حوزه تامین اجتماعی یکی از آفات‌های بزرگی است که این صندوق‌ها را به این وضعیت مخاطره‌آمیز دچار کرده است». او در یک جمله‌بندی نهایی از راه‌های بهبود وضعیت صندوق‌های بیمه‌ای هم می‌گوید. هرچند این بحث تاریخی، نقاط تاریکی از دلایل وضعیت نابسامان صندوق‌های بیمه‌ای، هزینه‌های سلامت و راه‌های خروج از بحران را روشن می‌کند اما این بحث طولانی از حوصله صفحه‌های روزنامه خارج است؛ این‌چنین است که بخش‌هایی از بحث حذف شده است تا خوانش آن آسان شود.

با آنکه در معنای تجمیع بیمه‌ها بسیار گفته شده و نقدهای بسیاری هم به آن شده است، شاید توضیح‌های اولیه‌ای برای بررسی نقدها و دفاع‌ها نیاز باشد. در موضوع تجمیع بیمه‌ها، قرار است چند صندوق بیمه‌ای و با چه هدفی تجمیع شوند؟

ببینید، درحال‌حاضر نزدیک به ۲۴ صندوق بیمه‌ای و درمانی در ایران وجود دارد که بیشتر اینها، تعهدات بلندمدت یعنی بازنشستگی را بر عهده دارند و برخی از اینها به عنوان یک تعهد کوتاه‌مدت به افراد تحت پوشش خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درمان ارائه می‌دهند.

خب، وزن هریک از اینها چقدر است و دعوایی که با عنوان تجمیع بیمه‌ها پیگیری می‌شود، برای چیست؟ آیا می‌توان بدون جهت‌گیری خاصی هدف تجمیع این صندوق‌ها و نقطه تمرکز موضوع تجمیع را پیگیری کرد؟

براساس گزارش‌های رسمی، ضریب نفوذ بیمه صندوق تامین اجتماعی ۴۶ درصد است؛ یعنی ۴۶ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش این صندوق قرار دارد. این ضریب نفوذ در صندوق بازنشستگی کشوری حدود هفت درصد و در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح ۶.۵ درصد است. حدود ۲۰ درصد از جمعیت تحت پوشش بیمه و بازنشستگی صندوق روستایان و عشایر است. بنابراین نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت واجد شرایط، تحت پوشش این چهار صندوق بزرگ عمومی هستند و سهم صندوق‌های بازنشستگی اختصاصی هم از کل جمعیت کشور حدود ۱/۳ درصد است.

اگر بخواهیم وضعیت مالی این صندوق‌ها را بررسی کنیم، هر کدام از اینها چه شرایطی دارند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر صندوق‌های اختصاصی که در سال‌های گذشته از سوی دستگاه‌ها و نهادهای مختلف ایجاد شده‌اند تقریبا به‌شکل کامل دارای وضعیت نامتعادل قرار دارند و هرکدام به بخش مهمی از مصارف این صندوق‌ها به یک مسئله غیرمستقیم از سوی دولت یا نهادهای مربوط پرداخت می‌شود. برای نمونه می‌توان به صندوق بازنشستگی اعضا حمایت این صندوق‌ها هستند؛ بنابراین همه ساله نزدیک به ۱۰ سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه کسری منابع هستند. موضوع دیگر هم این است که تجاری‌به‌کار می‌رود، اطلاع دارم، گزارش‌هایی از مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی از وزارت رفاه به هیات دولت ارائه شده است؛ اما چون صندوق‌های بیمه‌ای از دیگر دستگاه‌ها به مسائل دیگر کره خورده‌اند، مقام‌های مربوطه اعلام این موضوع را به مصلحت نمی‌دانند.

چگونه ورشکستگی این صندوق‌ها به مسائل دیگر کره می‌خورد؟

یعنی اگر ما صندوق‌های بیمار، فعال و پررونق داشته باشیم، موجب امنیت خاطر، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی می‌شود؛ برعکس، اگر صندوق‌ها در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار بگیرند، می‌تواند تولید نگرانی کند. مثلا در یونان و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، وقتی صندوق‌های بیمه‌ای قادر به انجام تعهدات خود نشوند، دولت‌ها با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند.

در عصر ۵۰ ساله سازمان تامین اجتماعی به دستور رئیس‌جمهوری، تدبیری اندیشیده شد که سازمان از بانک‌ها وام بگیرد که براساس صورتحساب‌های ارسالی ۶۰ درصدش را در دو هفته پرداخت. نتیجه آنکه سازمان تامین اجتماعی چندین هزار میلیارد تومان را بانک‌ها با بهره‌های بالا وام گرفت تا بتواند به تعهدات خودش عمل کند

چرا این صندوق‌ها به این روزگار دچار شدند؟ چرا تا این حد زیان‌ده شدند و در کدام دولت بدترین تصمیم‌ها برایشان گرفته شد؟ با آسیب‌شناسی رفتار اقتصادی اینها، کدام دلیل برای این وضع بحرانی مهم‌تر ارزیابی می‌شود؟

در واقع صندوق‌های بیمه‌ای از دو محیط اثر می‌پذیرند؛ یکی یک‌ودیگر هم است اما موضوع اصلی را حول چهار صندوق عمومی قرار می‌دهیم. در سازمان تامین اجتماعی اگر بدهی‌های دولت به عنوان بدهی در نظر گرفته شود، بعدی فرض کنیم دولت متعهد است هرساله تعهد خود را در قبال سازمان انجام دهد براساس اصول استقراری، نسبت پشتیبانی در تامین اجتماعی در بهترین حالت بین ۵.۸ تا شش است. اگر بخواهیم بدانیم این نسبت را حساب کنیم، یعنی تعهدات دولت را از ماحصله خارج کنیم عددی در آستانه پنج به دست می‌آوریم. سازمان تامین اجتماعی با پیشی‌گرفتن مصارف بر منابع روبه‌رو شده است. درست به همین‌دلیل است که سازمان تامین اجتماعی در چند سال اخر تحت عنوان کمبود نقدینگی، از بانک‌ها استقراض کرده یا شرکت سرمایه‌گذاری خود (شستا) را وادار کرده است سودهای متعلق به سازمان را اگر دارد از منابع خودش پرداخت کند و اگر ندارد از بانک‌ها استقراض کند. در نتیجه همین وضعیت به تازگی بانک مرکزی در نامه‌ای خطاب به بانک رفاه، دستور داده است از پرداخت حرکوته وام به سازمان تامین اجتماعی، شرکت شستا و شرکت‌های زیرمجموعه شستا، پرهیز شود.

آیا عددی وجود دارد نشان دهد سازمان تامین اجتماعی تاکنون چقدر وام دریافت کرده است؟

الان از ارقام قبلی استقراض صحبت نمی‌کنم آنچه می‌توان اکنون به آنها اشاره کرد، بودجه سال ۱۳۹۵ است. ماجرا از این قرار است که در این بودجه دو هزار میلیارد تومان به شکل صریح به عنوان استقراض از سیستم بانکی تعریف شده است. از سوی دیگر، ردیفی با عنوان «طلب از دولت» قرار داده شده که به‌هیچ‌روی این رقم در بودجه سالانه دولت منظور نشده است. بنابراین با یک حساب سرانگشتی روشن می‌شود که برای سال ۱۳۹۵، سازمان تامین اجتماعی مطابق بودجه‌ای که ارائه شده است، بین ۲۵ تا ۲۷ درصد با کسری منابع روبه‌رو است. نمونه بارز کسری این سازمان هم در طرح تحول سلامت. از اینجا هویدا شده که سازمان تامین اجتماعی، مجبور شده در چندین فقره از بانک‌های رفاه، تجارت و بانک ملت، واماهایی با بهره‌های بالا دریافت کند تا بتواند صورت‌حساب‌های مراکز درمانی و بیمارستانی را بپردازد. با وجود همه این تلاش‌ها، گزارش‌های رسمی این کسری بودجه را تا آنجا نمایان کرده که سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت حقوق بازنشستگان خود نیز به گرفتن وام از بانک‌ها متوسل شده است.

گذشته از تامین اجتماعی، وضع صندوق‌های دیگر چطور است؟

نسبت پشتیبانی در صندوق بازنشستگی کشوری حدود ۰/۹۷ و در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح کمتر از ۰/۹۵ است؛ یعنی حتی کمتر از یک است که در واقع، در عمل ورشکسته هستند، بنابراین چنانچه دولت در بودجه سالانه‌اش برای این دو صندوق اعتباری در نظر نگیرد، اینها قادر به پرداخت حقوق بازنشستگی افراد تحت پوشش خودشان نیستند. شاهد این مدعا، آخرین روزهای اسفند سال گذشته است که سازمان مدیریت وقت، صندوق بازنشستگی کشوری را وادار کرده بود بخشی از درآمدهایش را از فروش اموال و دارایی‌های خود و شرکت‌های تابعه‌اش تامین کند که بنا بر حر مصلحتی (یا قادر نبودند یا صلاح ندیدند)، پرداخت حقوق مستمری‌بگیران و بازنشستگان در اسفند به روز تعطیل موکول شد. موضوعی که باعث شد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مستمری‌بگیران عذرخواهی کند و بگوید برای دریافت حقوقتان از خودپردازها استفاده کنید. این تصویری است که می‌توان از صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح کشوری ارائه داد. برآوردها نشان می‌دهد که امسال باید دولت حداقل ۵۰ هزار میلیارد تومان در ردیف‌های بودجه‌ای خود برای این دو صندوق در نظر بگیرد.

چرا این صندوق‌ها اعلام ورشکستگی نمی‌کنند؟ اگر اعلام ورشکستگی کنند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

با توجه به مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، در نهایت دولت‌ها تضمین‌کننده مجموعه تعهدات صندوق‌های بیمه‌ای، اعم از اختصاصی و عمومی، هستند؛ پس در صندوق‌های بیمه‌ای، موضوعی با عنوان ایفکه ورشکسته شود و تعهدی به نسل فعلی و آینده نداشته باشند، وجود ندارد. این‌چنین است که دولت‌ها، باید صندوق‌های بیمه‌ای را تامین کنند و در این راستا، بزرگ‌ترین خسارتی که وارد می‌شود اختصاص بخش بزرگی از بودجه کل کشور به تامین منابع صندوق‌ها برای اجرای تعهدات خود است.

پاسخ من را ندادید؛ چرا به‌طور رسمی اعلام نمی‌شود که اینها ورشکسته‌اند؟

در واقع صندوق‌های بیمه‌ای یک بنگاه اقتصادی و اجتماعی هستند که تعهدات بین‌النسلی را بر دوش دارند و هرگز نمی‌توانند با اعلام ورشکستگی، از زیر تعهدات پرداخت‌نکرده شانه خالی کنند. مطمئن‌ترین از مفاد مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار بر می‌آید. در نهایت دولت‌ها تضمین‌کننده ادامه حیات این صندوق‌ها هستند؛ بنابراین همه ساله نزدیک به ۱۰ سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه کسری منابع هستند. موضوع دیگر هم این است که اطلاع‌رسانی به حتی وزارت رفاه به هیات دولت ارائه شده است؛ اما چون صندوق‌های بیمه‌ای از مجموع تشخیص مصلحت نظام و حتی از وزارت رفاه به هیات دولت ارائه شده است؛ اما چون صندوق‌های بیمه‌ای از دیگر دستگاه‌ها به مسائل دیگر کره خورده‌اند، مقام‌های مربوطه اعلام این موضوع را به مصلحت نمی‌دانند.

چگونه ورشکستگی این صندوق‌ها به مسائل دیگر کره می‌خورد؟

یعنی اگر ما صندوق‌های بیمار، فعال و پررونق داشته باشیم، موجب امنیت خاطر، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی می‌شود؛ برعکس، اگر صندوق‌ها در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار بگیرند، می‌تواند تولید نگرانی کند. مثلا در یونان و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، وقتی صندوق‌های بیمه‌ای قادر به انجام تعهدات خود نشوند، دولت‌ها با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند.

با آنکه در معنای تجمیع بیمه‌ها بسیار گفته شده و نقدهای بسیاری هم به آن شده است، شاید توضیح‌های اولیه‌ای برای بررسی نقدها و دفاع‌ها نیاز باشد. در موضوع تجمیع بیمه‌ها، قرار است چند صندوق بیمه‌ای و با چه هدفی تجمیع شوند؟

ببینید، درحال‌حاضر نزدیک به ۲۴ صندوق بیمه‌ای و درمانی در ایران وجود دارد که بیشتر اینها، تعهدات بلندمدت یعنی بازنشستگی را بر عهده دارند و برخی از اینها به عنوان یک تعهد کوتاه‌مدت به افراد تحت پوشش خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درمان ارائه می‌دهند.

خب، وزن هریک از اینها چقدر است و دعوایی که با عنوان تجمیع بیمه‌ها پیگیری می‌شود، برای چیست؟ آیا می‌توان بدون جهت‌گیری خاصی هدف تجمیع این صندوق‌ها و نقطه تمرکز موضوع تجمیع را پیگیری کرد؟

براساس گزارش‌های رسمی، ضریب نفوذ بیمه صندوق تامین اجتماعی ۴۶ درصد است؛ یعنی ۴۶ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش این صندوق قرار دارد. این ضریب نفوذ در صندوق بازنشستگی کشوری حدود هفت درصد و در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح ۶.۵ درصد است. حدود ۲۰ درصد از جمعیت تحت پوشش بیمه و بازنشستگی صندوق روستایان و عشایر است. بنابراین نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت واجد شرایط، تحت پوشش این چهار صندوق بزرگ عمومی هستند و سهم صندوق‌های بازنشستگی اختصاصی هم از کل جمعیت کشور حدود ۱/۳ درصد است.

اگر بخواهیم وضعیت مالی این صندوق‌ها را بررسی کنیم، هر کدام از اینها چه شرایطی دارند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر صندوق‌های اختصاصی که در سال‌های گذشته از سوی دستگاه‌ها و نهادهای مختلف ایجاد شده‌اند تقریبا به‌شکل کامل دارای وضعیت نامتعادل قرار دارند و هرکدام به بخش مهمی از مصارف این صندوق‌ها به یک مسئله غیرمستقیم از سوی دولت یا نهادهای مربوطه پرداخت می‌شود. برای نمونه می‌توان به صندوق بازنشستگی اعضا حمایت این صندوق‌ها هستند؛ بنابراین همه ساله نزدیک به ۱۰ سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه کسری منابع هستند. موضوع دیگر هم این است که تاجری‌به‌کار می‌رود، اطلاع دارم، گزارش‌هایی از مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی از وزارت رفاه به هیات دولت ارائه شده است؛ اما چون صندوق‌های بیمه‌ای از دیگر دستگاه‌ها به مسائل دیگر کره خورده‌اند، مقام‌های مربوطه اعلام این موضوع را به مصلحت نمی‌دانند.

چگونه ورشکستگی این صندوق‌ها به مسائل دیگر کره می‌خورد؟

یعنی اگر ما صندوق‌های بیمار، فعال و پررونق داشته باشیم، موجب امنیت خاطر، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی می‌شود؛ برعکس، اگر صندوق‌ها در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار بگیرند، می‌تواند تولید نگرانی کند. مثلا در یونان و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، وقتی صندوق‌های بیمه‌ای قادر به انجام تعهدات خود نشوند، دولت‌ها با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند.

چرا این صندوق‌ها به این روزگار دچار شدند؟ چرا تا این حد زیان‌ده شدند و در کدام دولت بدترین تصمیم‌ها برایشان گرفته شد؟ با آسیب‌شناسی رفتار اقتصادی اینها، کدام دلیل برای این وضع بحرانی مهم‌تر ارزیابی می‌شود؟

در واقع صندوق‌های بیمه‌ای از دو محیط اثر می‌پذیرند؛ یکی یک‌ودیگر هم است اما موضوع اصلی را حول چهار صندوق عمومی قرار می‌دهیم. در سازمان تامین اجتماعی اگر بدهی‌های دولت به عنوان بدهی در نظر گرفته شود، بعدی فرض کنیم دولت متعهد است هرساله تعهد خود را در قبال سازمان انجام دهد براساس اصول استقراری، نسبت پشتیبانی در تامین اجتماعی در بهترین حالت بین ۵.۸ تا شش است. اگر بخواهیم بدانیم این نسبت را حساب کنیم، یعنی تعهدات دولت را از ماحصله خارج کنیم عددی در آستانه پنج به دست می‌آوریم. سازمان تامین اجتماعی با پیشی‌گرفتن مصارف بر منابع روبه‌رو شده است. درست به همین‌دلیل است که سازمان تامین اجتماعی در چند سال اخر تحت عنوان کمبود نقدینگی، از بانک‌ها استقراض کرده یا شرکت سرمایه‌گذاری خود (شستا) را وادار کرده است سودهای متعلق به سازمان را اگر دارد از منابع خودش پرداخت کند و اگر ندارد از بانک‌ها استقراض کند. در نتیجه همین وضعیت به تازگی بانک مرکزی در نامه‌ای خطاب به بانک رفاه، دستور داده است از پرداخت حرکوته وام به سازمان تامین اجتماعی، شرکت شستا و شرکت‌های زیرمجموعه شستا، پرهیز شود.

آیا عددی وجود دارد نشان دهد سازمان تامین اجتماعی تاکنون چقدر وام دریافت کرده است؟

الان از ارقام قبلی استقراض صحبت نمی‌کنم آنچه می‌توان اکنون به آنها اشاره کرد، بودجه سال ۱۳۹۵ است. ماجرا از این قرار است که در این بودجه دو هزار میلیارد تومان به شکل صریح به عنوان استقراض از سیستم بانکی تعریف شده است. از سوی دیگر، ردیفی با عنوان «طلب از دولت» قرار داده شده که به‌هیچ‌روی این رقم در بودجه سالانه دولت منظور نشده است. بنابراین با یک حساب سرانگشتی روشن می‌شود که برای سال ۱۳۹۵، سازمان تامین اجتماعی مطابق بودجه‌ای که ارائه شده است، بین ۲۵ تا ۲۷ درصد با کسری منابع روبه‌رو است. نمونه بارز کسری این سازمان هم در طرح تحول سلامت. از اینجا هویدا شده که سازمان تامین اجتماعی، مجبور شده در چندین فقره از بانک‌های رفاه، تجارت و بانک ملت، واماهایی با بهره‌های بالا دریافت کند تا بتواند صورت‌حساب‌های مراکز درمانی و بیمارستانی را بپردازد. با وجود همه این تلاش‌ها، گزارش‌های رسمی این کسری بودجه را تا آنجا نمایان کرده که سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت حقوق بازنشستگان خود نیز به گرفتن وام از بانک‌ها متوسل شده است.

گذشته از تامین اجتماعی، وضع صندوق‌های دیگر چطور است؟

نسبت پشتیبانی در صندوق بازنشستگی کشوری حدود ۰/۹۷ و در صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح کمتر از ۰/۹۵ است؛ یعنی حتی کمتر از یک است که در واقع، در عمل ورشکسته هستند، بنابراین چنانچه دولت در بودجه سالانه‌اش برای این دو صندوق اعتباری در نظر نگیرد، اینها قادر به پرداخت حقوق بازنشستگی افراد تحت پوشش خودشان نیستند. شاهد این مدعا، آخرین روزهای اسفند سال گذشته است که سازمان مدیریت وقت، صندوق بازنشستگی کشوری را وادار کرده بود بخشی از درآمدهایش را از فروش اموال و دارایی‌های خود و شرکت‌های تابعه‌اش تامین کند که بنا بر حر مصلحتی (یا قادر نبودند یا صلاح ندیدند)، پرداخت حقوق مستمری‌بگیران و بازنشستگان در اسفند به روز تعطیل موکول شد. موضوعی که باعث شد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مستمری‌بگیران عذرخواهی کند و بگوید برای دریافت حقوقتان از خودپردازها استفاده کنید. این تصویری است که می‌توان از صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح کشوری ارائه داد. برآوردها نشان می‌دهد که امسال باید دولت حداقل ۵۰ هزار میلیارد تومان در ردیف‌های بودجه‌ای خود برای این دو صندوق در نظر بگیرد.

چرا این صندوق‌ها اعلام ورشکستگی نمی‌کنند؟ اگر اعلام ورشکستگی کنند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

با توجه به مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، در نهایت دولت‌ها تضمین‌کننده مجموعه تعهدات صندوق‌های بیمه‌ای، اعم از اختصاصی و عمومی، هستند؛ پس در صندوق‌های بیمه‌ای، موضوعی با عنوان ایفکه ورشکسته شود و تعهدی به نسل فعلی و آینده نداشته باشند، وجود ندارد. این‌چنین است که دولت‌ها، باید صندوق‌های بیمه‌ای را تامین کنند و در این راستا، بزرگ‌ترین خسارتی که وارد می‌شود اختصاص بخش بزرگی از بودجه کل کشور به تامین منابع صندوق‌ها برای اجرای تعهدات خود است.

پاسخ من را ندادید؛ چرا به‌طور رسمی اعلام نمی‌شود که اینها ورشکسته‌اند؟

در واقع صندوق‌های بیمه‌ای یک بنگاه اقتصادی و اجتماعی هستند که تعهدات بین‌النسلی را بر دوش دارند و هرگز نمی‌توانند با اعلام ورشکستگی، از زیر تعهدات پرداخت‌نکرده شانه خالی کنند. مطمئن‌ترین از مفاد مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار بر می‌آید. در نهایت دولت‌ها تضمین‌کننده ادامه حیات این صندوق‌ها هستند؛ بنابراین همه ساله نزدیک به ۱۰ سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه کسری منابع هستند. موضوع دیگر هم این است که اطلاع‌رسانی به حتی وزارت رفاه به هیات دولت ارائه شده است؛ اما چون صندوق‌های بیمه‌ای از دیگر دستگاه‌ها به مسائل دیگر کره خورده‌اند، مقام‌های مربوطه اعلام این موضوع را به مصلحت نمی‌دانند.

چگونه ورشکستگی این صندوق‌ها به مسائل دیگر کره می‌خورد؟

یعنی اگر ما صندوق‌های بیمار، فعال و پررونق داشته باشیم، موجب امنیت خاطر، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی می‌شود؛ برعکس، اگر صندوق‌ها در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار بگیرند، می‌تواند تولید نگرانی کند. مثلا در یونان و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، وقتی صندوق‌های بیمه‌ای قادر به انجام تعهدات خود نشوند، دولت‌ها با مشکلات بزرگی روبه‌رو شدند.

چرا این صندوق‌ها به این روزگار دچار شدند؟ چرا تا این حد زیان‌ده شدند و در کدام دولت بدترین تصمیم‌ها برایشان گرفته شد؟ با آسیب‌شناسی رفتار اقتصادی اینها، کدام دلیل برای این وضع بحرانی مهم‌تر ارزیابی می‌شود؟

در واقع صندوق‌های بیمه‌ای از دو محیط اثر می‌پذیرند؛ یکی یک‌ودیگر هم است اما موضوع اصلی را حول چهار صندوق عمومی قرار می‌دهیم. در سازمان تامین اجتماعی اگر بدهی‌های دولت به عنوان بدهی در نظر گرفته شود، بعدی فرض کنیم دولت متعهد است هرساله تعهد خود را در قبال سازمان انجام دهد براساس اصول استقراری، نسبت پشتیبانی در تامین اجتماعی در بهترین حالت بین ۵.۸ تا شش است. اگر بخواهیم بدانیم این نسبت را حساب کنیم، یعنی تعهدات دولت را از ماحصله خارج کنیم عددی در آستانه پنج به دست می‌آوریم. سازمان تامین اجتماعی با پیشی‌گرفتن مصارف بر منابع روبه‌رو شده است. درست به همین‌دلیل است که سازمان تامین اجتماعی در چند سال اخر تحت عنوان کمبود نقدینگی، از بانک‌ها استقراض کرده یا شرکت سرمایه‌گذاری خود (شستا) را وادار کرده است سودهای متعلق به سازمان را اگر دارد از منابع خودش پرداخت کند و اگر ندارد از بانک‌ها استقراض کند. در نتیجه همین وضعیت به تازگی بانک مرکزی در نامه‌ای خطاب به بانک رفاه، دستور داده است از پرداخت حرکوته وام به سازمان تامین اجتماعی، شرکت شستا و

نگاه

وزارت بهداشت به‌دنبال منابع سازمان تامین اجتماعی است

سیدابوتراب فاضل
عضو شورای مرکزی
و دبیر سیاسی حزب اسلامی کار

ریشه اصلی نگرانی‌های جامعه کارگری از طرح تجمیع صندوق‌های بیمه‌ای، در مباحث پیشین در وزارت بهداشت و درمان است. سازمان تامین اجتماعی، سالیان‌سال، از پس از انقلاب تا همین دهه گذشته از سوی وزارت بهداشت اداره می‌شده است. حتی تا اوایل دهه ۱۳۸۰ هم رئیس شورای‌عالی تامین اجتماعی، وزیر بهداشت بوده است. تجربه تلخ یا ناموفق گذشته کماکان بر کرده همه کارگران و بازنشستگان است. پس این را به‌عنوان پیش‌فرض در نظر می‌گیریم که نگرانی‌هایی که امروز وجود دارد، محصول دوران ناگوار گذشته است. نکته دیگر این است که اکنون درباره مجموعه‌ای به نام وزارت بهداشت سخن گفته می‌شود که در تلاش است تا با عنوان «طرح تحول سلامت» اقدام‌هایی را انجام دهد. زمانی که وزارتخانه‌ای در چند سال متولی افزایش